



## متن کامل سخnerانی تاریخی امام در بهشت زهرا

امام خمینی ساعتی پس از ورود به تهران و ایراد سخنرانی کوتاهی در فرودگاه مهرآباد و تشکر از مردم ایران جهت تلاش در راه برقراری نظام ضدشاهنشاهی راهی بهشت زهرا شدند. قدس آزلاین: شاید بسیاریاین جمله امام خمینی(ره) که فرمودند، من دولت تعیین می‌کنم... را شنیده باشید و متأسفانه بقیه سخنان رهبر کبیر انقلاب را اخیراً پس جالب است بدانید:

امام پس از اندکی حضور در بهشت زهرا به ایراد سخنان خود پرداختند و فرمودند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
ما در این مدت مصیبت‌ها دیده ایم، مصیبت‌های بسیار بزرگ بعضی پیروزی‌ها حاصل شد که البته آن هم بزرگ بوده؛ مصیبت‌های زن‌های جوان مرده، مردهای اولاد از دست داده، طفل‌های پدراز دست داده. من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولاد خودشان را از دست داده‌اند می‌افتد، سنگینی در دوشم پیدا می‌شود که نمی‌توانم تاب بیاورم. من نمی‌توانم تشکر از این ملت بکنم که همه چیز خودش را در راه خدا داد، خدای تبارک و تعالی باید به آنها اجر عنایت فرماید. من به مادرهای فرزند از دست داده تسلیت عرض می‌کنم و در غم آنها شریک هستم. من به پدرهای جوان داده، من به آنها تسلیت عرض می‌کنم. من به جوان‌هایی که پدرانشان را در این مدت از دست داده‌اند تسلیت عرض می‌کنم.

■ **تشکیل مجلس با زور سرنیزه**

خوب، ما حساب بکنیم که این مصیبت‌ها برای چه به این ملت وارد شد، مگر این ملت چه می‌گفت و چه می‌گوید که از آن وقتی که صدای ملت درآمده است تا حالا قتل و ظلم و غارت و همه اینها ادامه دارد؟ ملت ما چه می‌گفتند که مستحق این عقوبات شدند؟ ملت ما یک مطلبش این بود که این سلطنت پهلوی از اول که پایه‌گذاری شد برخلاف قوانین بود. آنهایی که در سن من هستند، می‌دانند و دیده‌اند که مجلس مؤسسان که تأسیس شد، با سرنیزه تأسیس شد، ملت هیچ دخالت نداشت در آمدن مجلس مؤسسان، مجلس مؤسسان را با زور سرنیزه تأسیس کردند و با زور، وکلای آن را وادار کردند به اینکه به رضاشاه رأی سلطنت بدهند. پس این سلطنت از اول یک امر باطلی بود، بلکه اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشر است. برای اینکه ما فرض می‌کنیم که یک ملتی تمامشان رأی دادند که یک نفری سلطان باشد، بسیار خوب، اینها از باب اینکه مسلط بر سرنوشت خودشان هستند و مختار به سرنوشت خودشان هستند، برای آنها قابل عمل است لکن اگر چنانچه یک ملتی رأی دادند (ولو تمامشان) به اینکه اعقاب این سلطان هم سلطان باشد، این به چه حقی ملت پنجاه سال پیش از این، سرنوشت ملت بعد را معین می‌کند؟ سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. ما در زمان سابق، فرض بفرمایید که زمان اول قاجاریه نبودیم، اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه بواسطه یک فرماندمی تحقق پیدا کرد و همه ملت هم ما

یا مجلس شورا در مجلس هستند؟ یا این هم دادند بر آغامحمدخان فخر و آن سلاطینی که بعدها می‌آیند. در زمانی که ما بودیم و زمان سلطنت احمدشاه بود، هیچ یک از ما زمان آغامحمدخان را درک نکرده، آن اجداد ما که رأی دادند برای سلطنت قاجاریه، به چه حقی رأی دادند که زمان ما احمدشاه سلطان باشند؟ سرنوشت هر ملت دست خودش است.

■ **سلطنت غیرقانونی محمدرضا شاه**

ملت درصد سال پیش از این، صدوپنجاه سال پیش از این، یک ملتی بوده، یک سرنوشتی داشته است و اختیاری داشته ولی او اختیار ماها را نداشته است که یک سلطانی را بر ما مسلط کند. ما فرض می‌کنیم که این سلطنت پهلوی، اول که تأسیس شد به اختیار مردم بود و مجلس مؤسسان را هم به اختیار مردم تأسیس کردند و این اسباب این می‌شود که بر فرض اینکه این امر باطل صحیح باشد، فقط رضاخان سلطان باشد آن هم بر آن اشخاصی که در آن زمان بودند و اما محمدرضا سلطان باشد بر این جمعیتی که الان بیشترشان، بلکه الا بعضی قلیلی از آنها ادراک آن وقت را نکرده‌اند، چه حقی داشتند ملت در آن زمان سرنوشت ما را در این زمان معین کنند؟ بنابراین سلطنت محمدرضا اولاً که چون سلطنت پدرش خلاف قانون بود و با زور و با سرنیزه تأسیس شده بود مجلس، غیرقانونی است، پس سلطنت محمدرضا هم غیرقانونی است و اگر چنانچه سلطنت رضاشاه فرض بکنیم که قانونی بوده، چه حقی آنها داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند؟ هرکسی سرنوشتش با خودش است، مگر پدرهای ما ولی ما هستند؟ مگر آن اشخاصی که در صد سال پیش از این، هشتاد سال پیش از این بودند، می‌توانند سرنوشت یک ملتی را که بعدها وجود پیدا می‌کنند، آنها تعیین بکنند؟ این هم یک دلیل که سلطنت محمدرضا سلطنت قانونی نیست. علاوه بر این، این سلطنتی که در آن وقت درست کرده بودند و مجلس مؤسسان هم ما فرض کنیم که صحیح بوده است، این ملتی که سرنوشت خودش با خودش باید باشد، در این زمان می‌گوید که ما نمی‌خواهیم این سلطان را. وقتی که اینها را رأی دادند به اینکه ما سلطنت رضاشاه را، سلطنت محمدرضا شاه را، رژیم سلطنتی را نمی‌خواهیم، سرنوشت اینها با خودش است.

این هم یک راه است از برای اینکه سلطنت او باطل است. حالا می‌آییم سراغ دولت‌هایی که ناشی شده از سلطنت محمدرضا و مجلس‌هایی که ما داریم. در تمام طول مشروطیت آلبعضی از زمان‌ها آن هم نسبت به بعض از وکلا، مردم دخالت نداشتند در تعیین وکلا. شما الان اطلاع دارید که در این مجلسی که حالا هست، چه مجلس شورا و چه مجلس سنا و چه مجلس شورای اسلامی، شما ملت ایران هستید، شما ملتی هستید که در تهران سکنی دارید، من از شما مردم تهران سؤال می‌کنم که آیا این وکلای که در مجلس هستند، چه در مجلس سنا و چه در مجلس شورا شما اطلاع داشتید که اینها را خودتان تعیین کنید؟ اکثر این مردم می‌شناسند این افرادی را که به‌عنوان مجلس و به‌عنوان وکیل مجلس سنا

ویژه سالگرد پیروزی انقلاب

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

ایران نیاس

ملت مرا قبول دارد (تکبیر حضار) این آقا که خودش هم خودش را قبول ندارد، رفقایاش هم قبولش ندارند، ملت هم قبولش ندارد، ارتش هم قبولش ندارد، فقط آمریکا از این پشتیبانی کرده و فرستاده به ارتش دستور داده که از او پشتیبانی بکنید، انگلیس هم از این پشتیبانی کرده و گفته است که باید از این پشتیبانی بکنید. یک نفر آدمی که نه ملت قبولش دارد نه هیچ یک از طبقات ملت از هر جا بگویید قبولش ندارند، بله چند تا از اشرار را دارند که می‌آورند توی خیابان‌ها. از خودشان هست این اشرار، فریاد هم می‌کنند از این حرف‌ها هم می‌زنند لکن ملت این است، این ملت است (اشاره به حضار). می‌گوید که در یک مملکت که دوتا دولت نمی‌شود. خوب واضح است این، یک مملکت دوتا دولت ندارد لکن دولت غیرقانونی باید برود، تو غیرقانونی هستی، دولتی که ما می‌گوییم، دولتی است که متکی به آرا ملت است، متکی به حکم خداست، تو باید یا خدا را انکار کنی یا ملت را. باید سرجایش بنشیند این آدم یا اینکه به امر آمریکا و اینها وادار کند یقه دسته‌ای از اشرار را تا این ملت را قتل عام کند.

■ **خواست ملت، استقلال ارتش**

ما تا هستیم نمی‌گذاریم اینها سلطه پیدا کنند، ما نمی‌گذاریم دوباره اعاده بشود آن حیثیت سابق و آن ظلم‌های سابق، ما نخواهیم گذاشت که محمدرضا برگردد، اینها می‌خواهند او را برگردانند، بیدار باشید. ای مردم! بیدار باشید، نقشه دارند می‌کشند، ستاد درست کرده مردی که در آنجایی که هست، روابط دارند درست می‌کنند، می‌خواهند دوباره ما را برگردانند به آن عهدی که همه چیزمان اختناق در اختناق باشد و همه هستی ما به کام آمریکا برود. ما نخواهیم گذاشت، تا تاجان داریم نخواهیم گذاشت و من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را خواستار هستم و من عرض می‌کنم بر همه ما واجب است که این نهضت را ادامه بدهیم تا آن وقتی که اینها ساقط بشوند و ما بواسطه آراب مردم، مجلس سنا درست بکنیم و دولت اول را که دولت دائمی را تعیین بکنیم.

و من باید یک نصیحت به ارتش بکنم و یک تشکر از یکی از ارکان ارتش، یک قشرهایی از ارتش. اما آن نصیحتی که می‌کنم این است که ما می‌خواهیم شما مستقل باشید، ماها داریم زحمت می‌کشیم، ماها خون دادیم، ماها جوان دادیم، ماها حیثیت و آبرو دادیم، مشایخ ما حبس رفتند، زجر کشیدند، می‌خواهیم که ارتش ما مستقل باشد. آقای ارتشبد! شما نمی‌خواهید؟ شما نمی‌خواهید مستقل باشید؟ آقای سرلشکرا شما نمی‌خواهید مستقل باشید، شما می‌خواهید نوکر باشید؟ من به شما نصیحت می‌کنم که باید در آغوش ملت، همان که ملت می‌گوید بگویید، ما باید مستقل باشیم، ملت می‌گوید ارتش باید مستقل باشد، ارتش نباید زیر فرمان مستشارهای آمریکا و اجنبی باشد، شما هم بیایید، ما برای خاطر شما این حرف را می‌زنیم، شما هم بیایید برای خاطر خودتان این حرف را بزنید، بگویید «ما می‌خواهیم مستقل باشیم، ما نمی‌خواهیم این مستشارها باشند.» ما که این حرف را می‌زنیم که ارتش باید مستقل باشد، جزای ما این است که بریزید توی خیابان خون جوان‌های ما را بریزند که چرا می‌گویید من باید مستقل باشم؟! ما می‌خواهیم تو آقا باشی.

■ **نظام قدرتمند می‌خواهیم**

و اما تشکر می‌کنم از این قشرهایی که متصل شدند به ملت، اینها آبروی خودشان را، آبروی کشورشان را، آبروی ملت‌شان را حفظ کردند. این درجه دارها، همافرها، افسرهای نیروی هوایی، اینها همه مورد تشکر و تمجید ما هستند و همین طور آن‌هایی که در اصفهان و در همدان و در سایر جاها، اینها تکلیف شرعی، ملی، کشوری خودشان را دانستند و به ملت ملحق شدند و پشتیبانی از نهضت اسلامی ملت را کردند، ما از آنها تشکر می‌کنیم و به این‌هایی که متصل نشدن می‌گوییم که متصل بشوید به این‌ها، اسلام برای شما بهتر از کفر است، ملت برای شما بهتر از اجنبی است. ما برای شما می‌گوییم این مطلب را، شما هم برای خودتان این کار را بکنید. رها بکنید این را، خیال نکنید که اگر رها کردید ما می‌آییم شما را به دار می‌زنیم. این چیزهایی است که شماها یا کسان دیگر درست کرده‌اند و الا این همافرها و این درجه دارها و این افسرها که آمدند و متصل شدند، ما با کمال عزت و سعادت آنها را حفظ می‌کنیم. ما می‌خواهیم که مملکت، مملکت قوی باشد، ما می‌خواهیم که مملکت دارای یک نظام قدرتمند باشد، ما نمی‌خواهیم نظام را به هم زنیم، ما می‌خواهیم نظام محفوظ باشد لکن نظام ناشی از ملت در خدمت ملت، نه نظامی که دیگران سرپرستی اش را بکنند و دیگران فرمان به آن بدهند.

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

ما می‌خواهیم زراعت را، دهقان‌ها را دهقان کنیم، تا حالا رعیت بودند و ما می‌خواهیم حالا دهقانان کنیم، اصلاحات ارضی درست کردند، اصلاحات ارضی‌شان بعد از این مدت طولانی به اینجا منتهی شد که به کلی دهقانی از بین رفت، به کلی زراعت ما از بین رفت و الان شما در همه چیز محتاجید به خارج یعنی محمدرضا این کار را کرد تا بازار درست کند برای آمریکا و ما محتاج به او باشیم در اینکه گندم از او بیاوریم، برنج از او بیاوریم، همه چیز را، تخم مرغ از او بیاوریم یا از اسرائیل که دست نشاندۀ امریکاست بیاوریم. بنابراین کارهایی که این آدم کرده به‌عنوان اصلاح، این کارها خودش افساد بوده است. قضیه اصلاحات ارضی یک لطمه‌ای بر مملکت ما وارد کرده است که تا شاید بیست سال دیگر ما نتوانیم این را جبران‌ش بکنیم مگر همه ملت دست به هم بدهند و کمک کنند تا سال‌هایی بگذرد و جبران بشود این معنا. فرهنگ ما را یک فرهنگ عقب نگه داشته درست کرده است، فرهنگ ما را این عقب نگه داشته به طوری که الان جوان‌های ما تحصیلاتشان در اینجا تحصیلات تام و تمام نیست و باید بعد از اینکه یک مدتی در اینجا یک نیمه تحصیلی بکنند. ما پنجاه سال است، بیشتر از پنجاه سال است دانشگاه داریم و قریب سی و چند سال است که این دانشگاه را داریم لکن چون خیانت شده است به ما، از این جهت رشد نکرده، رشد انسانی ندارد، تمام انسان‌ها و نیروی انسانی ما را از بین برده است این آدم.

■ **می‌خواهیم تجدد در خدمت تمدن باشد**

این آدم به واسطه نوکری که داشته، مراکز فحشا درست کرده، تلویزیونش مرکز فحشاست، رادیوییش بسیارش فحشاست، مراکزیک که اجازه دادن برای اینکه باز باشند، مراکز فحشاست. اینها دست به دست هم دادند. در تهران در مرکز مشروب فروشی بیشتر از کتافروشی است، مراکز فساد دیگر الی ماشاءالله است. برای چه؟ سینما می‌ما مرکز فحشاست. ما با سینما مخالف نیستیم ما با مرکز فحشا مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم ما با فحشا مخالفیم، ما با تلویزیون مخالف نیستیم ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم.

ما کی مخالفت کردیم با تجدد، با مراتب تجدد؟ مظاهر تجدد وقتی که از اروپا پیش را در شرق گذاشت خصوصاً در ایران، مرکز چیزیکه باید از آن استفاده تمدن بکنند ما را به توحش کشانده است. سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد و شما می‌دانید که جوان‌های ما را اینها به تباهی کشیده‌اند و همین طور سایر این جاها. ما با اینها در این جهات مخالف هستیم. اینها به همه معنا خیانت کرده‌اند به مملکت ما.

■ **پنجاه سال است که در اختناق بسر بردیم**

واما نفت ما، تمام نفت ما را به غیر دادند، به آمریکا و غیر از آمریکا دادند، آتی که به آمریکا دادند عوض چه گرفتند؟ عوض، اسلحه برای پایگاه درست کردن برای آقای آمریکا. ما هم، نفت دادیم و هم پایگاه برای آنها درست کردیم. آمریکا با این حیلۀ که این مرد هم دخالت داشت، با این حیلۀ نفت را از ما برد و برای خودش در عوض پایگاه درست کرد. یعنی اسلحه آورده اینجا که ارتش ما نمی‌تواند این اسلحه را استعمال بکند، باید مستشارهای آنها باشند، باید کارشناس‌های آنها باشند. این هم از ناحیه نفت که این نفت ما را اگر چند سال دیگر خدای ارخته‌ای این عمر پیدا کرده بود، عمر سلطنتی پیدا کرده بود، نفت ما را تمام کرده بود، زراعت‌مان را هم که تمام کرده، این ملت به کلی ساقط شده بود و باید عملگی کند برای اغیار. ما که فریاد می‌کنیم از دست این، برای این است. خون‌های جوان‌های ما برای این جهات ریخته شده، برای اینکه آزادی می‌خواهیم ما، ما پنجاه سال است که در اختناق بسر بردیم، نه مطبوعات داشتیم، نه رادیوی صحیح داشتیم، نه تلویزیون صحیح داشتیم، نه خطیب می‌توانست حرف بزند، نه اهل منبر می‌توانستند حرف بزنند، نه امام جماعت می‌توانست آزاد کار خودش را ادامه بدهد، نه هیچ یک از اقشار ملت کارشان را می‌توانستند ادامه بدهند و در زمان ایشان هم همین اختناق به طریق بالاتر باقی و باقی بود و الان هم باز نیمه حشاشه او که باقی است، نیمه حشاشه این اختناق هم باقی است. ما می‌گوییم که خود آن آدم، دولت آن آدم، مجلس آن آدم، تمام اینها غیرقانونی است و اگر ادامه به این بدهند اینها مجرمند و باید محاکمه بشوند و آنها را محاکمه می‌کنیم.

■ **دولت ما متکی به آرای ملت است**

من دولت تعیین می‌کنم، من تو دهن این دولت می‌زنم، من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم، من به واسطه اینکه

که می‌گویید من قانونی هستم؟ این مجلس غیرقانونی است، از خود وکلا پرسید که آیا شما را ملت تعیین کرده است؟ هر کدام ادعا کردند که ملت تعیین کرده است، ما دستشان را می‌دهیم دست یک نفر آدم ببرد او را در حوزه مال ملت را گرفته‌اند به‌عنوان اینکه حقوق هر وکیلی اینقدر است، این حقوق را حق نداشتند بگیرند و ضامن هستند و اما دولتی که ناشی می‌شود از یک شاهی که خودش و پدرش غیرقانونی است، خودش علاوه بر او غیرقانونی است، وکلای که تعیین کرده است غیرقانونی است، دولتی که از همچو مجلسی و همچو سلطانی انشاء بشود، این دولت غیرقانونی است.

این ملت حرفی را که داشتند در زمان محمدرضاخان می‌گفتند که این سلطنت را ما

نمی‌خواهیم و سرنوشت ما با خود ماست. در حال هم می‌گویند که ما این وکلا را غیرقانونی می‌دانیم، این مجلس سنا را غیرقانونی می‌دانیم، این دولت را غیرقانونی می‌دانیم. آیا کسی که خودش از ناحیه مجلس، از ناحیه مجلس سنا، از ناحیه شاه منصوب است و همه آنها غیرقانونی هستند، می‌شود که قانونی باشد؟ ما می‌گوییم که شما غیرقانونی هستید باید بروید. ما اعلام می‌کنیم که الان دولتی که به اسم دولت قانونی خودش را معرفی می‌کند، حتی خودش قبول ندارد که قانونی است، خودش تا چند سال پیش از این، تا آن وقتی که دستش نیامده بود این وزارت، قبول داشت که غیرقانونی است، حالا چه شده است

■ **مجلس مؤسسان را با زور سرنیزه تأسیس کردند و با زور، وکلای آن را وادار کردند به اینکه به رضاشاه رأی سلطنت بدهند. پس این سلطنت از اول یک امر باطلی بود، بلکه اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشر است**

■ **در تمام طول مشروطیت آلبعضی از زمان‌ها آن هم نسبت به بعض از وکلا، مردم دخالت نداشتند در تعیین وکلا. شما الان اطلاع دارید که در این مجلسی که حالا هست، چه مجلس شورا و چه مجلس سنا و شما ملت ایران هستید، شما ملتی هستید که در تهران سکنی دارید، ما این سلطنتی که در آن وقت درست کرده بودند و مجلس مؤسسان هم ما فرض کنیم که صحیح بوده است، این ملتی که سرنوشت خودش با خودش باید باشد، در این زمان می‌گوید که ما نمی‌خواهیم این سلطان را. وقتی که اینها را رأی دادند به اینکه ما سلطنت رضاشاه را، سلطنت محمدرضا شاه را، رژیم سلطنتی را نمی‌خواهیم، سرنوشت اینها با خودش است.**

■ **کارهایی که این آدم کرده به‌عنوان اصلاح، این کارها خودش افساد بوده است. قضیه اصلاحات ارضی یک لطمه‌ای بر مملکت ما وارد کرده است که تا شاید بیست سال دیگر ما نتوانیم این را جبران‌ش بکنیم مگر همه ملت دست به هم بدهند و کمک کنند تا سال‌هایی بگذرد و جبران بشود**

■ **ما کی مخالفت کردیم با تجدد، با مراتب تجدد؟ مظاهر یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد و شما می‌دانید که جوان‌های ما را اینها به تباهی کشیده‌اند و همین طور سایر این جاها. ما با اینها در این جهات مخالف هستیم**

■ **مخازن نفت ما را تمام کرده بود، زراعت‌مان را هم که تمام کرده، این ملت به کلی ساقط شده بود و باید عملگی کند برای اغیار. ما که فریاد می‌کنیم از دست این، برای این است. خون‌های جوان‌های ما برای این جهات ریخته شده، برای اینکه آزادی می‌خواهیم ما، ما پنجاه سال است که در اختناق بسر بردیم، نه مطبوعات داشتیم، نه رادیوی صحیح داشتیم، نه تلویزیون صحیح داشتیم**